

پنجشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۹۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۳۵۳ • ۹

روزنامه		
فرهنگ ایرانی		
مادر کجای جغرافیای علم جهان ایستاده‌ایم؟	صفحه ۱۰	۱
دغدغه‌ملی و نگرانی جهانی‌پس از توافق هسته‌ای	صفحه ۱۱	۲
حادثه‌ای که زندگی یک راننده را زیورور کرد	صفحه ۱۲	۳

گزارش

طنز؛ به‌منابه اخبار تکمیلی

جست‌وجوی خیلی زیادی لازم نیست. کافی است چند کلمه کلیدی را در گوگل جست‌وجو کنید و نتیجه کم‌وبیش همان است که به‌طور معمول در شبکه‌های اجتماعی مختلف دیده می‌شود. روال این است که ابتدا یک خبر منتشر می‌شود و به فاصله کوتاهی جوک‌ها مانند خبرهای تکمیلی در پی‌اش می‌آیند. پیش‌ترها وایبر و واتس‌آپ و لاین، روز روز بودند حالا تلگرام توی بورس است.

۱:ماجرای دکل گمشده

دکل دریایی GSP FORTUNA که بیشتر پول خرید آن توسط شرکت تأسیسات دریایی پرداخت شده است، به‌جای تحویل به ایران در ابتدا به امارات و سپس به خلیج مکزیک منتقل شده است تا قرارداد ۸۹۴ روزه شرکت پمکس و شرکت GSP را اجرایی کند. روزنامه‌های ایرانی به نقل از رسانه‌های خارجی خبر دادند: «این دکل در فوریه سال ۲۰۱۴ به خلیج مکزیک منتقل شده و هم‌اینک عملیات حفاری آن در حال انجام است». مسئولان هم نگرانی‌هایی ابراز می‌کنند؛ برای مثال: «خبرهای خوبی از حوزه حفاری و دکل‌های نفتی از وزارت نفت شنیده نمی‌شود». موضوع کم‌شدن دکل نفتی عجیب و توجیه‌ناپذیر ارزیابی می‌شود و آنها خواستار برخوردی جدی و روشن‌شدن وضع پرورنده دکل نفتی هستند. در همین حال، موج جوک‌ها و لطیفه‌ها، شبکه‌های اجتماعی را انباشته است. فقط ظرف چند ساعت آن همه نگرانی و تعجب از کم‌شدن چیزی که به سادگی نمی‌شود کم شود، عصبانیت و خشم از دولت سابق تبدیل می‌شود به جمله‌هایی که هر خواننده‌ای را به قهقهه وادار می‌کند: «دیگه اختلاس فایده نداره! پس من به دکل برداشتم»، «مثل درز گوشه کانابه که همیشه چندتا کنترلر و دسته کلید توشه! دنیا هم به سوراخی داره که هواپیماهای مالزی و دکل‌های نفت ایرانی توشه!»، «معما: تو چیپ جا میشه؟ نه! میشه خورده‌ش؟ نه! میشه دزدیده‌ش؟ آره! آها، دکل نفتیه!»، «یکی از سرگرمیامون تقسیم رقم اختلاس بر جمعیت کشور بود، ببینیم



سهم هر ایرانی چقدره! الان این دکله رو چطور حساب کنیم؟ به هر ایرانی یه میله می‌رسه»، «باز هم جای شکرش باقیه... فقط دکل نفت رو بردن و چاهش رو گذاشتن بمونه!»، «من همیشه به ضرب‌المثل «شتر با بارش گم میشه» می‌خندیدم... ولی از وقتی فهمیدم دکل با نفتش کم شده، دارم ذکر مصیبت می‌خونم!»

۲:اختلاس ۳ هزار میلیاردی

در شهریور ۱۳۹۰، مقامات و رسانه‌های ایران از کشف اختلاسی بزرگ در بانک‌های ایران خبر دادند که مع‌الفرید امیرخسروی توانست مبلغ سه هزار میلیارد تومان (سه‌تریلیون تومان) را دوهزارو ۸۰۰ میلیارد تومان را از شبکه‌های بانکی ایران به سرقت ببرد. براساس آنچه در رسانه‌ها منتشر شد، این بزرگ‌ترین اختلاس در تاریخ ایران بوده است. در این اختلاس هفت بانک دخیل بوده‌اند و رقم اختلاس در سال ۸۸ کمتر از ۸۰۰ میلیارد تومان، در سال ۸۹ حدود ۸۰۰ میلیارد تومان و در سال ۹۰ نیز دوهزارو ۸۰۰ میلیارد تومان بوده است. این اختلاس که با طریق بانک صادرات ایران انجام و کشف شده است، منجر به لغو مجوز بانک آریا و دستگیری رئیس آن، امیرمنصور آریا و افراد دیگری شده است.

بعد از این خبر هم موج جوک و لطیفه در شبکه‌های اجتماعی به راه افتاد: «هرجا سخن از اعتمادا است من هرهر می‌خندم»، «ورژن جدید ابراز علاقه چندتا دوسم داری؟! اختلاس تال!»، «اندر حکایت اختلاس بزرگ: شهیار جزایری: «منو از اینجا بیارین بیروووووون...! اینا دارن منو مسخره می‌کنن... به من میگن آفتابه‌دزد!»

۳:وثیقه گذاشتن کویر لوت در دولت احمدی نژاد

چندی‌پیش نیز خبری منتشر شد که عجیب و البته تکان‌دهنده بود با این مضمون: «یک کارشناس اقتصادی گفت: بخشی خصوصی در کشور وجود دارد که زمین‌های کویر لوت را وثیقه گذاشته و وام میلیاردی دریافت کرده‌اند و این وام را هم برگردانده‌اند».

«تو دولت احمدی‌نژاد، کویر لوت رو وثیقه گذاشتند و وام میلیاردی گرفتند؟! اون وام واردات چین چی شد؟ آقا سند میخواد، کویر لوت هم که گروی بانکه خب سد کرج رو بذار تا تاسیستون به کاریش می‌کنیم...»، «گفت وگویی عادی در اواخر دولت احمدی‌نژاد: آقا این قلله دماوند چند؟ دیگه آخرای دولته زدیم حراج ۳۵ میلیون دلار، تخفیف نداره؟ اکه با طر طبیعت ببری تخفیف می‌دیم...».

اعداد

تلفن همراه و جوک

در سال‌هایی که هنوز گوشی‌های تلفن هوشمند در ایران رایج نشده بود و چه حالا که همه‌جا گوشی‌های تلفن‌همراه با قابلیت نصب جدیدترین نرم‌افزارهای کاربردی شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شود، کاربران با خواندن و انتشار و ساختن انواع جوک‌ها، قسمت قابل‌توجهی از وقت خود را پر می‌کنند.

در دانشگاه‌های ایران چند تحقیق آکادمیک در قالب پایان‌نامه و مقاله‌های علمی- پژوهشی درباره انواع استفاده‌ها و کاربردهای تلفن‌همراه انجام شده است که برخی از آنها نشان می‌دهند، کاربران تلفن‌همراه در ایران به جوک‌هایی که درباره موضوعات مختلف دست‌به‌دست می‌شود، علاقه بسیاری دارند.

علیرضا حسینی‌پاکدهی، عضو هیات‌علمی گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی و مریم حاج‌محمدی، کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، در تحقیقی که چهار سال پیش درباره کاربردهای تلفن‌همراه انجام داده بودند و نتایج آن را در مقاله‌ای با عنوان «نوجوانان و تلفن‌همراه» در فصلنامه علوم اجتماعی منتشر کردند، دریافتند که در میان نوجوانان تهرانی، در ذخیره‌سازی محتوای گوشی تلفن‌همراه، «جوک و سرگرمی» بیشترین و مطالب «علمی- آموزشی» کمترین علاقه را به خود اختصاص می‌دهند. ۴۵ درصد پاسخ‌گویانی که به سؤالات پیمایش این تحقیق پاسخ داده بودند، گفته بودند اولویت اول محتوایی تلفن‌همراه آنها جوک و سرگرمی و برای ۲۰ درصد آنان، اولویت اول با محتوای پورتوگرافی و جنسی است.

سه سال پیش از آنها، امین رحیمی نیز در پژوهشی با عنوان «اسب‌شناسی پیامک‌ها و تأثیر آن بر روابط اجتماعی افراد» به این نتیجه رسیده بود که طنز و جوک بیشترین محتوای پیامک‌ها را به خود اختصاص می‌دهند و پس از آن، پیامک‌های اروتیک و قبیح رتبه دوم را دارا هستند.

در سال‌های اخیر که شبکه‌های اجتماعی مبتنی‌بر تلفن‌همراه هوشمند در جامعه ایران توسعه یافته، محتواهای این شبکه‌ها نیز پر از جوک و محتواهای طنزآمیز است. در خردادماه امسال، همایش ملی «تلفن‌همراه هوشمند و سبک زندگی» برگزار شد و خبرگزاری دانش‌جویان ایران روایت کرده است که در این همایش اعلام شد میزان استفاده از تلفن‌های همراه هوشمند از ساعت ۲۰ تا ۲۴ به‌شدت افزایش می‌یابد.

در این مدت افراد وارد شبکه‌های مجازی می‌شوند و این است که نوجوانان و جوانان باید وقت خود را با خانواده بگذرانند تا ارزش‌ها و هنجارهای جامعه در آنان نهادینه شود، ولی آنان به‌جای برخورداری از فراغت جمعی، به فراغت فردی روی می‌آورند.

براساس یافته‌های پژوهشگران شرکت‌کننده در این همایش، نیمی از محتوای پیام‌هایی‌که از طریق شبکه‌های اجتماعی موبایلی ردوبدل می‌شود، لطیفه است.



علیرضا حسینی‌پاکدهی

جمعی‌ای وجودتان را غرق در شادی کند؛ یعنی درعین‌حال که شما از این موضوع ناراحت می‌شوید، وجودتان مالامال از احساس مثبت می‌شود؛ بنابراین اگر چه شادی یک زمینه اجتماعی دارد و به‌طور قطع در کشور ما به‌دلیل اینکه امکان دور هم بودن‌ها در عرصه عمومی کم است، قاعداًت یک وجه مغفول در گسترش شادی و تعمیق شادی داریم. درست است که در ایام محرم برای سوگواری امام‌حسین(ره) جمع می‌شوید، اما اینکه مردم باهم‌بودن و تعامل با هم را تجربه می‌کنند، می‌بینیم همین موضوع آن‌قدر اشتیاق ایجاد می‌کند که فوج فوج جوان‌ها می‌آیند. این نشان می‌دهد این‌ موضوع جاذبه دارد. در عمل حس شادبودن و همبستگی قوی اجتماعی در واقع یک امر مثبت است. در جامعه ما این مناسبت‌ها و تجربه باهم‌بودن و دور هم جمع‌شدن در نهادهای مختلف کم است؛ اما این امر درعین‌حال به این معنا نیست که مردم ما شادی ندارند. من موافق این قضیه نیستم که مردم ما شاد نیستند.

مردم ما از هر موقعیتی برای شادبودن استفاده می‌کنند؛ برای مثال فرض کنید کوچک‌ترین فرصت مانند جوک‌ها و لطیفه‌گفتن‌ها می‌تواند بهانه‌ای باشد برای گفتن و خندیدن و خوش‌گذرانی. ترافیک جاده شمال و راهنمدان می‌تواند کلافه‌کننده باشد، اما درهمین‌حال مردم از ماشین‌ها بیرون می‌آیند و بساط پهن می‌کنند و حتی گاهی اوقات در برخی مناطق دیده می‌شود ترافیک شده است و شیشه‌ها پایین است و بساط خنده و شوخی به راه است... من فکر می‌کنم ملت ایران، ملت فرصت‌جویی است و در واقع از فرصت‌های اندکی که به‌دست می‌آورد برای شادشدن استفاده می‌کند. در بعد فردی احساس می‌کنم درست است ما ایرانی‌ها مشکلات زیادی داریم و این مشکلات می‌توانند ما را گرفتار و افسرده کنند و آسیب‌های اجتماعی را موجب شوند که در ایران فراوان است، اما در نهایت ما جامعه‌گمگینی نیستیم. الان واقعا در کدام کشور دنیا جنگ و تحریم و مضیقه تجربه شده است؟ من فکر می‌کنم هر جامعه دیگری بود از پا درآمده بود، ولی این جامعه هنوز روی پاست و از هر فرصتی مثل سیزده‌به‌در برای شادی استفاده می‌کند. تعطیلاتی که فرا می‌رسد، همه در جاده‌ها هستند و از هر فرصتی بتوانند، استفاده می‌کنند. درصورتی‌که هر ملت دیگری بود، از پا درآمده بود. من فکر می‌کنم با وجود همه اینها ما ملت ناشادی نیستیم. سال‌ها پیش درباره مسئله شادی گفته بودم فکر نمی‌کنم امروز مسئله ما شادی باشد. اما با همین اوصاف هم جامعه ما جامعه‌ای است که هنوز توی لاک خود نرفته است و از هر زمانی برای شادبودن استفاده می‌کند، حتی هنگامی‌که شما فکر می‌کنید در رفتارش بی‌تفاوتی وجود دارد، به پدیده‌ها حساس است.

آیا اینکه ما خیلی در شبکه‌های اجتماعی جوک می‌سازیم، موجب نمی‌شود آن موضوع آن قدر لوث شود که نگاه عمیق به آن، از جریان بیفتد؟

طبیعی است گاهی ممکن است شما امکان این را داشته باشید و فرصتی برای کنش مطلوب و مناسب، بسته به اینکه شرایط چگونه باشد، داشته باشید و در نهایت بخواهید هر واقعه جدی را پشت گوش بیندازید و از آن عبور کنید. این چیزی است که اتفاق می‌افتد؛ برای مثال شما اگر آدم بی‌خیالی باشید، واکنش ویژه‌ای به چیزی نشان نمی‌دهید، اما گاهی شما با یک جریان اجتماعی روبه‌رو هستید. در واقع وقتی ما مسئله‌ای را شوخی می‌گیریم، در عمل مسئله جدی نخواهد شد. ما الان با یک پدیده جمعی روبه‌رو هستیم و آن هزاران هزار نفری هستند که می‌آیند و به یک شیوه به پدیده‌ای عکس‌العمل نشان می‌دهند. عکس‌العمل‌ها باید متناسب با شرایط و موقعیت باشد و رفتار را در چارچوب موقعیت تحلیل کنیم و نگاه فردگرایانه به آن نداشته باشیم. نگاه فردگرایانه این است که وقتی شخصی بی‌خیال باشد، همه چیز را پشت گوش می‌اندازد. جمعی به‌صورت کمپینی وارد داستانی می‌شوند و واکنش نشان می‌دهند. این نشان می‌دهد آنها بی‌تفاوت نیستند، اما رفتار متناسب دراین‌باره و در این فضا همین است.

ندارد. اما من واکنش دارم و حساس شده‌ام و باید عکس‌العمل نشان دهم، چنین چیزی به‌طور معمول در قالب متلک‌انداختن و تکه‌انداختن خود را نشان می‌دهد. اساساً تکه‌انداختن در فرهنگ ایرانی‌ها به‌وفور دیده می‌شود و اینکه در قالب شوخی به مسئله‌ای می‌پردازیم، به‌نسبت عادی است. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که شفافیت در روابط اجتماعی ما وجود ندارد و بنابراین رفتارهای ما لایه‌لایه است. این هم یک لایه از واکنش‌های ماست که ما اشکالش را حتی در رسانه‌های رسمی هم دیده‌ایم. برنامه‌هایی که مهران مدیری می‌سازد، در قالب طنز تلاش می‌کند واقعیتی را که در جامعه هست بیان کند. بنابراین درنهایت نظر من این است که نباید فکر کنید اگر کسی درباره پدیده‌ای رویکرد استهزاآمیز دارد، به این معناست که حساسیتی درباره آن ندارد.

آیا پس به اعتقاد شما این روشی برای نشان‌دادن اعتراض به یک پدیده است؟

بله و به‌خصوص می‌تواند عمق مسئله را نشان دهد. وقتی که شما در مورد قضایای عربستان این نوع برخورد را می‌بینید، معلوم است که جامعه آزرده شده است و نهایتاً از شدت این درد دست به برخوردی طنزآمیز می‌زند.

حوزه‌هایی که در آن مردم می‌توانند نقش آفرین، تعیین‌کننده و تأثیرگذار باشند جدی گرفته می‌شود اما در حوزه‌هایی که مردم می‌بینند نمی‌توانند هیچ تأثیر و نقشی داشته باشند این بی‌تأثیری موجب می‌شود تفاوت رویکرد از جدیت به شوخی ایجاد شود

آیا اگر بخواهیم بررسی کنیم که آیا این یک طنز خواهان واکنش است یا یک هجو و هزل غیرمسئولانه که صرفاً می‌خواهد بیان کند که برای مثال از پدیده‌ای ناخشنود است، چه می‌توانیم بگوییم؟

ممکن است سطوح مختلفی داشته باشد. ما یک طنز متعدهانه داریم که خواهان تغییر است که از ابتدا جدی است ولسی جدیت را در قالب طنز بیان می‌کند اما یک موقعی هم هست که بحث جدی بودن مطرح نیست و ممکن است واقعا گاهی اوقات این طنز بی‌ادبانه هم باشد. طنز متعدهانه وجود داشته است و کسی که طنز را بیان کرده است و افرازی که کامنت داده و آن را بسط داده‌اند، همگی به این موضوع علاقه‌مند هستند و درعین‌حال ابراز نگرانی خود را هم کرده‌اند، منتها این ابراز نگرانی به این شیوه است.

آیا وقتی چنین فضای آکنده از شوخی و خنده و طنزی را که در شبکه‌های اجتماعی جریان دارد از دور نگاه می‌کنیم، به‌نظر می‌رسد این جامعه باید جامعه شادی باشد، اما در فهرست‌هایی که منتشر می‌شود ایران به‌طور معمول در رده کشورهای شاد جهان قرار نمی‌گیرد. این تناقض را چگونه می‌توان توضیح داد؟

اگر چه بخش عمده‌ای از شادی در حضور جمع اتفاق می‌افتد و اصلاً انسان به‌دلیل اینکه موجودی اجتماعی است، هرچه زیست اجتماعی‌اش تقویت شود، بنیان شادی‌اش تقویت خواهد شد. شما وقتی در یک فعالیت خیرخواهانه به‌صورت دسته‌جمعی شرکت می‌کنید، ممکن است با وجود شادنبودن دلیل این جمع‌شدن، ورود به چنین فعالیت‌

گفت‌وگو با سعید معیدفر
در مورد موج مسخره‌کردن پدیده‌های جدی
در شبکه‌های اجتماعی

تأثیرگذار نباشند

جوک می‌سازند

نگار حسینی

گروه‌های تلگرامی و وایبری را که باز کنید، پراست از شوخی و خنده و دست‌انداختن هر آنچه می‌شود دست انداخت. گویی عده‌ای طنزنویس دورهم جمع شده‌اند و برآیندش شده متن‌ها و اشاره‌های خنده‌دار. بااین‌حال ظاهراً یک گروه متشکل طنزنویسی در کار نیست و جامعه ایرانی به شکل خودجوش اخبار را رصد می‌کند و به محض اینکه بتواند، سوژه‌ای برای خنده می‌یابد. از خبرهایی مثل کم‌شدن دکل نفتی ایران تا توافق هسته‌ای و حواشی آن، می‌شوند خوراکی برای خنده بیشتر. از بالا که نگاه می‌کنید، گویی مردم دورهم جمع می‌شوند، سوژه‌ای را که دور از دسترس است و نمی‌توانند در موردش کاری بکنند، روبه‌رویشان گذاشته‌اند و دارند می‌خندند. اما آیا این خنده‌ها بابت آن است که جامعه ایران شادمان است و سرحال، که هر روز سوژه تازه‌ای برای خنده دارد یا نقد‌های جدی‌اش را در لافا طنز و شوخی می‌پیچد و فریاد می‌زند؟ با **سعید معیدفر**، جامعه‌شناس، در مورد موج دست‌انداختن سوژه‌های جدی در شبکه‌های اجتماعی گفت‌وگو کرده‌ایم:

آیا لازم نیست خیلی بگردیم. همین حالا اگر تلگرام یا وایبر را باز کنید، در ۱۰ خط آخر می‌شود یک سوژه خنده پیدا کرد که خوراک اصلی آن یک خبر جدی بوده است. کافی است خبری منتشر شود با عنوان کم‌شدن دکل نفتی یا... که شبکه‌های اجتماعی را موجی از خنده و استهزا فرا بگیرد. این موج به‌خصوص در مواردی بیشتر دیده می‌شود که انتظار واکنش و خشم شهروندان در آنها بیشتر دیده می‌شود. اساساً چه اتفاقی می‌افتد که چنین موجی در فضای مجازی ایجاد می‌شود؟ آیا موضوعاتی مانند آنچه به آن اشاره شد، به اندازه کافی برای افراد جامعه اهمیت ندارد که با خنده و شوخی به آن واکنش نشان می‌دهند؟

اینکه جامعه در چه جاهایی در شبکه‌های اجتماعی وارد می‌شود و واکنش نشان می‌دهد، نیاز به بررسی دارد. باید دید مردم در کجاها جدی وارد می‌شوند و در کجاها نقاب طنز دارند. برای مثال در زمینه بزرگداشت مرتضی پاشایی، افراد به‌طور جدی فعال شدند، همکاری کردند و اجتماع بزرگی را هم به شکل گسترده‌ای رقم زدند یا مثلاً در فرصت‌های دیگری که به وجود آمده است، می‌بینیم که این فضا، در ایجاد رخدادهای بزرگی مانند روزهای بعد از انتخابات و شاید قضایای هسته‌ای فضای تأثیرگذار و تعیین‌کننده‌ای می‌شود. به یک عبارت، شاید این‌طور بگوییم که حوزه‌هایی که در آن مردم می‌توانند نقش آفرین، تعیین‌کننده و تأثیرگذار باشند، جدی گرفته می‌شود اما در حوزه‌هایی که مردم می‌بینند نمی‌توانند هیچ تأثیر و نقشی داشته باشند، این بی‌تأثیری موجب می‌شود تفاوت رویکرد از جدیت به شوخی ایجاد شود. پیش از دوره شبکه‌های اجتماعی و از سال‌های دور، مثلاً برنامه «صبح جمعه با شما» بسیار مورد استقبال مردم قرار می‌گرفت. در این برنامه همه‌چیز به استهزا گرفته می‌شد؛ مواردی مانند گرانی یا کمبودهایی که در آن دوران در جامعه ایران دیده می‌شد. به یک عبارت، این تلقی به وجود می‌آید که وقتی مردم جامعه نقشی در حوزه اقتصاد و اداره‌های دولتی ندارند، از برنامه‌های این‌چنینی استقبال می‌کنند. به نظر می‌رسد یک عده هنرمند آمده‌اند و در جاهایی که مشکل وجود دارد، تلاش می‌کنند مشکلات را به شوخی برگزار کنند. من می‌شود گفت الگوی این نوع مواجهه بعضاً در برنامه‌های قبلی یعنی پیش از دوره شبکه‌های اجتماعی هم بوده و مورد استقبال هم بوده است. برای مثال مجله گل‌اقا و توقیف، بسیار مورد توجه بودند چون موضوعاتی که نمی‌شد در مورد آنها حرف جدی زد- در این فضاها به شوخی مطرح می‌شد.

آیا پس شما معتقدید این موج شوخی و طنز بابت نبود فضای نقد رسمی ایجاد می‌شود؟

نه. بحث نقد نیست، بحث کنشگری است. برای مثال، من اگر ببینم کنشی که انجام می‌دهم، تأثیرگذار است و تعیین‌کننده، اینجا تلاش می‌کنم که جدی ظاهر شوم اما وقتی می‌بینم که نمی‌توانم تأثیرگذار باشم، ممکن است که رویکرد را عوض کنم. اگر به تاریخ نگاهی بیندازیم، مواردی می‌شود دید که بابت تأثیرگذاری، رویکرد استفاده از طنز در پیش گرفته شده است. بهلول در این زمینه مثال خوبی است. بهلول می‌دانسته اگر حرف جدی بزند، گرفتار می‌شود چون با مردمی روبه‌روست که وقتی به آنها نقدی وارد می‌شود، بدشان می‌آید یا ناراحت می‌شوند، بنابراین ناچار بوده که در قالب طنز تلاش کند حرف خود را به شکل غیررسمی بیان و ناراحتی خود را ابراز کند. این خود واکنش است. اینکه شما در فضای مجازی یا در بخش‌های دیگر شروع می‌کنید به اینکه برای مثال سوژه‌ای را مسخره کنید، یک جورى که ماجرا نگرانی شما و ناراحتی شما در آن به چشم می‌خورد. به‌عبارتی اگر هیچ واکنشی نسبت به آن موضوع نداشته‌ید، خیلی راحت از کنار آن عبور می‌کردید، این بی‌تفاوتی بود اما همین برخورد طنزآمیز از یک واکنش حکایت دارد.

آیا پس به اعتقاد شما این برخورد به معنای آن نیست که سوژه‌ای که خوراک طنز شده، جدی گرفته نشده است؟

نه اگر جدی نمی‌گرفتیم به این معنا بود که اساساً از کنار آن عبور می‌کردیم و در مورد آن حرف نمی‌زدیم. اینکه شما به آن مسئله می‌پردازید نشان می‌دهد که آن مسئله برای شما مهم است. نگاه می‌کنید که ببینید آیا می‌توانید تأثیری داشته باشید، اگر بتوانید، به‌صورت جدی واردش می‌شوید و تأثیر می‌گذارید. برای مثال یک کمپین راه می‌افتد و عده زیادی از افراد جامعه به‌طور جدی در فضای مجازی به آن می‌پیوندند و در آن فعالیت می‌کنند چون می‌دانند می‌توانند تأثیرگذار باشند. اما فرض کنید وقتی امکان وجودی چنین کمپینی وجود ندارد و مضافاً شما کنشگر فعال نیستید، عکس‌العمل خود را نسبت به آن موضوع به شکل جوک و استهزا و مسائلی مانند این نشان می‌دهید. طبیعی است که یک شهروند ایرانی از اینکه دو نوجوان ایرانی در عربستان مورد هتک حرمت قرار بگیرند، به‌شدت ناراحت می‌شود؛ ولی درنهایت گاهی اوقات این را در قالب طنز بیان می‌کند که خود این معنادار است. کسانی که می‌خواهند ببینند جامعه‌ما در این موضوع واکنش نشان داده است یا نه، نباید نگاه کند که این برخورد جدی بوده یا به‌صورت شوخی. بلکه اتفاق رفتارهای استهزاگونه هم حائزاهمیت هستند و نباید آنها را نادیده گرفت. کمابینکه در رفتار روزانه ما ایرانی‌ها هم می‌توان این‌چنین رفتارهایی را به‌وضوح دید. فرض کنید که من اگر چیزی را از کسی دیدم و آن موضوع برایم مهم است و آن رفتار برای من حساسیتی به وجود آورده و می‌خواهم حساسیت را ابراز کنم می‌بینم که آن فرد انتظار شنیدن واکنش من را